

رسالت پیامبر اعظم ﷺ طرحی برای جهانی سازی نوین

*
رضا حق پناه



چکیده

مسأله‌ی جهانی سازی مدتی است اندیشمندان را به فکر طرح و برنامه‌ای مشخص، برای اداره‌ی آینده‌ی جهان وادار نموده است. متفکران غرب، براساس طرز تفکر و اهداف خاص خود، به فکر طرحی هستند که به ظاهر، یکسانی جهانی و هم‌نوایی همه‌ی اقطار را با آنان می‌طلبند، ولی ماهیت آن اطاعت بی‌چون و چرا از سیاست و فرهنگ و تفکر غربی است. در این میان اسلام، از آغازین لحظه‌ی ظهور خود، طرح جهانی ارائه کرد. اصل بعثت طرحی است نوین، الهی و جامع برای حاکمیت دین خدا و ارزش‌های الهی.



طراح آن خداوند عالم است و مجری آن پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نظام نامه ی آن قرآن کریم، و پشتوانه ی آن حضور مردم (امت اسلامی) در صحنه است، و مدل و الگوی آن حکومت نبوی و علوی و نمونه ی حاضر آن انقلاب اسلامی است. وظیفه ی فعلی ما بازشناسی هویت دینی و مؤلفه های جهانی سازی اسلامی است. مقاله ی حاضر گامی است در مسیر شناسایی این طرح نوین.

واژگان کلیدی: رسالت، پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، جهانی سازی.

رویکرد مسلمانان به مسأله جهانی سازی می تواند چند گونه باشد؛ یکی انفعال محض و تسلیم بی قید و شرط در مقابل اراده ی قدرت های استکباری، که می خواهند با طرحی خاص، جهانی مطابق میل خود بسازند، و دوم اعراض و نفی محض و با دیده ی منفی به همه چیز نگریستن، و سوم برخورد انتقادی. از آنجا که نمی توان چشم را بر حقایق و واقعیت ها بست، و باید با دیدی باز اتفاقات جهانی را در بوته ی نقد و بررسی قرار داد، رویکرد سوم، حکیمانه و عاقلانه به نظر می رسد.

قرآن کریم به امت اسلامی تعلیم می دهد که "قَبَشْرُ عِبَادِي الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ" (زمر، ۱۸)، لذا می توان گفت نظر اسلام نوعی انترناسیونالیسم یا جهان وطنی است. آنچه امروزه تحت عنوان جهانی سازی مطرح است، حکومت و مدیریت جهان بر اساس حاکمیت دین خدا و ارزش های الهی نیست، بلکه منظور آن ها اراده یک دهکده است که کدخدای آن آمریکاست و فرهنگی دارد که همان فرهنگ غربی است و اقتصادی دارد به نام اقتصاد آزاد، و سیاستی به نام دموکراسی و لیبرالیسم غربی.

آنچه برای امت اسلامی اهمیت دارد توجه به فلسفه ی ارزش ها، و منطقی است که زیربنا و پشتوانه ی فرایند جهانی سازی است. اسلام، بالذات، ایده ی جهان گستری را به امت تعلیم می دهد، زیرا قرآن کتاب همه ی مردم "هُدًى

لِلنَّاسِ" (بقره، ۱۸۵) است، و براساس آن، اسلام ناب محمدی ﷺ، که در عصر حاضر در قالب انقلاب اسلامی متجلی شده است، با هویت اسلامی خود، دو پدیده‌ی مهم قرن بیستم، یعنی بنیاد و ساختار نظام "ملت - دولت" و مدرنیته‌ی غربی و طرح جهانی سازی به شکل غربی را زیر سؤال برده است. پیامبر اعظم ﷺ از آغازین روزهای شروع دعوت، با صراحت، نقشه‌ی جهانی و جاودانگی اسلام را مطرح نمود و پایه‌های آن را مستحکم فرمود. اکنون نیز اسلام است که با طرح خود، فراسوی مرزهای سیاسی، نژادی و فرهنگی را درنوردیده و ایده‌ی جهانی سازی غربی را به چالش کشیده است.

به گفته‌ی صاحب نظران، یکی از منابع اقتدار در روابط بین‌المللی، تعیین دستور روز است. هر گروه، ملت یا فردی که بتواند دستور روز را تعیین کند، در دنیا اولویت دارد. امروزه علی‌رغم مشکلات و سدهای بزرگی که برای جلوگیری از توسعه‌ی انقلاب اسلامی ایجاد کرده‌اند، اسلام در دستور قرن بیست و یکم قرار گرفته است، و تنها سنگر مقاومت علیه نظام سلطه‌ی جهانی است. این رو، هم باید هویت دینی خود را بازشناسیم و هم در پاسداری از آن بکوشیم. نوشته‌ی حاضر نکاتی را در مورد جهانی سازی اسلامی و مؤلفه‌های آن مورد بررسی قرار می‌دهد.

راه‌های شناخت جهانی بودن رسالت پیامبر اعظم ﷺ

برای این منظور حداقل سه راه پیش روی ماست.

راه اول: شناخت مخاطبان پیامبر اعظم ﷺ و قرآن کریم

بدون تردید مخاطبان آن حضرت همه‌ی انسان‌ها از همه‌ی فرهنگ‌ها زبان‌ها و نژادها و مکان‌ها هستند. پیامبر اعظم ﷺ آخرین دین را برای تمامی بشریت به ارمغان آورده و هر جا انسانی باشد دین حضور دارد و او را مخاطب خود می‌سازد. گرچه بسیاری از انبیای پیشین نیز چنین مأموریتی داشته‌اند، اما درباره‌ی اسلام، رسالت جهانی و فراگیر با صراحت بیشتری مطرح شده است:

- قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً (اعراف، ۱۵۸)

"بگو، ای مردم، من پیامبر خدا به سوی شما هستم...."

- وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

(سبا، ۲۸)

"و ما تو را جز مژده آور و هشدار دهنده برای همگی مردم نفرستادیم، اما بیشتر مردم نمی‌دانند.

- تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (فرقان، ۱)

"بزرگ (و خجسته) است کسی که بر بنده‌ی خود فرقان (کتاب جداسازنده

حق از باطل) را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشدار دهنده‌ای باشد.

- قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (حج، ۴۹)

"بگو ای مردم! من برای شما فقط هشدار دهنده‌ای آشکارم...."

- وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ (مدر، ۳۱ و ۳۶)

"و این (قرآن) جز تذکری برای بشر نیست... (که) به همه‌ی انسان‌ها (عذاب) را هشدار می‌دهد."

با توجه به این آیات می‌بینیم پیامبر اسلام ﷺ، حکومت‌ها و دولت‌هایی را که میان ملت‌ها فاصله افکندند و سرزمین‌ها را میان خود تقسیم کردند، به رسمیت نشناخت و همه‌ی آن‌ها را به یک دین و دولت واحد و مرکزیتی یگانه فراخواند و به سران کشورهای جهان نامه نوشت و آنان را به یگانگی و تن دادن به مدیریت و مرکزیت واحد در جامعه‌ی انسانی دعوت کرد (حکیمی، ۱۳۸۵، ۳۵) و ازه‌ی الناس حدود ۲۴۰ بار و ازه‌ی الانسان ۶۵ بار در قرآن تکرار شده است، که واژه‌های عام برای همه‌ی افراد انسانی می‌باشد و در جای دیگر مخاطبان قرآن را همه‌ی مستضعفان جهان می‌شمارد که یاری می‌جویند و به زودی از دست ستمگران نجات خواهند یافت، و این خود نشانه‌ی پیروزی دین و دبنداران در سطح جهانی است.

"وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ

اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا" (نساء، ۷۵)

"چرا در راه خدا جهاد نمی‌کنید، با اینکه جمعی ناتوان از زن و مرد و کودکی (که تحت ستم‌اند) می‌گویند خدایا ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون آر، و از سوی خود برای ما صاحب اختیار قرار ده و یاری نما."

"وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَيَلْبِذَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أُمَّنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ" (نور، ۵۵)

"و خدا به کسانی از شما که ایمان آورند و نیکوکار باشند وعده داده است که در زمین خلافت دهد، همان گونه که مؤمنان پیشین جانشین شدند، و دین آنان را بپسندد، و بر ادیان غلبه دهد، و پس از ناامنی، امنیت بخشد تا مرا بدون شریک بپرستند، و هر که کافر شود تبهکار است."

و در جای دیگری می‌بینیم تعالیمی به بشریت ارائه داده که مطابق با فطرت و سرشت انسان است و فطرت امری است که قوم و نژاد و زمان و مکان نمی‌شناسد.^۲

راه دوم: توجه به مسأله‌ی خاتمیت

به اتفاق همه‌ی مسلمانان و با صراحت قرآن کریم، اسلام دین خاتم است. خاتمیت لازمه جهانی بودن دین است. در قرآن آمده است: "مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ" (احزاب، ۴۰) "وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ" (انبیاء، ۱۰۷) و در روایتی آمده است خداوند قرآن را برای زمان خاص و مردم خاصی نفرستاد پس قرآن تا روز قیامت در هر زمانی جدید و برای هر قومی تازه است. (صدوق، ۱۴۱۳ هـ ج ۲، ۱۳۰) و نیز "حکم الهی و تکالیف خداوند در حق اولین و آخرین یکسان است، مگر اینکه علت یا پدیده‌ای پیش آید که باعث دگرگونی حکم شود. همگان نسبت به تغییر حکم هنگام پیش آمدن حوادث، همانند هستند و واجبات بر همه یکسان است. از همان‌هایی که

پیشینیان سؤال شدند آیندگان نیز سؤال می‌شوند." (کلینی، ج ۵، ۱۸)

خاتم بودن اسلام لوازمی دارد، از جمله:

عدم تحریف: از مهم‌ترین علل تجدد نبوت، تحریف ادیان پیشین بود، به گونه‌ای که دست‌یابی به دین ناب برای انسان غیر ممکن بود؛ از این رو، دین خاتم باید از ساز و کاری بهره‌مند باشد که آن را از تحریف حفظ کند.

جاودانی و همگانی بودن: ادله‌ی بایستگی بعثت به ما می‌گویند بشر همواره نیازمند هدایت الهی است و انسان در هیچ دوره‌ای، نباید از هدایت الهی (دین) محروم باشد. بنابراین اگر دین الهی ختم شود و آن دین، مخصوص زمان یا مکان خود باشد و طرحی جهانی نداشته باشد، باعث محرومیت انسان‌ها و نسل‌های دیگر از دین می‌گردد و با فلسفه‌ی بعثت منافات دارد، پس دینی می‌تواند دعوی خاتمیت داشته باشد که همگانی و جاودانه باشد.^۳ (جوادی آملی، ۲۳۶) لازمی این امر آن است که دین، در هر دوره و با هر زمینه‌ای بتواند رسالت خود را در هدایت انسان‌ها انجام دهد و در تأمین نیازهای بشر - که او را محتاج به دین کرده است - کارآمد و پاسخ‌گو باشد.

جامع بودن: همه سو‌نگری و در نظر گرفتن تمامی ابعاد و جوانب حیات بشری و فرو نهادن هیچ یک از حوزه‌هایی که انسان در آن نیازمند هدایت‌های الهی و دینی است، سهم بسزایی در پایایی و جاودانگی و خاتمیت اسلام دارد. ادوارد گیبون می‌نویسد: "قرآن ... قانون اساسی، شامل رویه‌ی قضایی و نظامات مدنی و جزایی و حاوی قوانینی است که تمام عملیات و امور مالی بشر را اداره می‌کند ... دستوری است شامل مجموعه‌ی قوانین دینی و اجتماعی، مدنی، تجاری، نظامی قضایی، جنایی و جزایی. همین مجموعه‌ی قوانین از تکالیف زندگی روزانه تا تشریفات دینی از ترکیه‌ی نفس تا بهداشت بدن و از حقوق عمومی تا حقوق فردی و از منافع فردی تا منافع عمومی و از اخلاقیات تا جنایات و از عذاب و مکافات این جهان تا عذاب و مکافات جهان آینده، همه را در بر دارد." (پورت، بی‌تا، ۹۹-۹۸)

هماهنگی با فطرت و طبیعت: انسان‌ها در عین دارا بودن تفاوت‌ها و دگرگونی‌هایی که بر اثر شرایط زمانی و مکانی بر آن‌ها عارض شده است، سرشت و فطرت یگانه‌ای دارند. هر اندازه آیینی با اصول فطری انسان پیوند وثیق‌تری برقرار کند، از پایایی و ماندگاری بیشتری برخوردار خواهد بود و هر قدر از آن فاصله گیرد، گرفتار ناپایداری خواهد شد. توجه ژرف اسلام به طبیعت و سرشت آدمیان و تنظیم قوانین هماهنگ با آن، یکی از رمزهای پایداری و جاودانگی اسلام است عوامل دیگری نیز در این رابطه قابل بررسی است، مانند:

- وجود قوانین حاکم و کنترل‌کننده (چون قاعده لاضرر و ...)

- دادن اختیارات به حکومت (جامعه) اسلامی؛

- نپرداختن به ظاهر زندگی؛^۴

- انسجام، هماهنگی و سازگاری بین مجموعه‌ی قوانین اسلام؛

- اعتدال؛

- رابطه‌ی علی و معلولی احکام اسلام با مصالح و مفاسد واقعی؛

- تأکید بر علم و تجربه‌ی مفید همراه با عمل؛^۵

- کران ناپذیری قرآن و سنت؛ (مطهری، ۱۳۷۴، ۱۸۹-۱۵۷)

- هدف‌های پایان ناپذیر؛ (شاکرین، ۱۳۸۴، ۵۹-۵۱)

راه سوم: تفکر و تدبیر

راه سوم، از راه تفکر و تدبیر در مجموعه‌ی تعالیم دین و آموزه‌های اسلام و قرآن کریم است. چنان‌که مخاطبان قرآن و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، عموم بشریت بود، تعالیم آن نیز عمومی و برای تمامی انسان‌هاست. این تعلیم (باره آورد وحی) را می‌توان در قلمروها و محورهای زیر مشاهده کرد:

هدایت‌گری: به تصریح خود قرآن و اتفاق همه‌ی مفسران و قرآن پژوهان،

قرآن کتاب هدایت و ارشاد مردم است. اما هدایت به سوی چه چیزی؟ هدایت را

دو گونه می‌توان تصور کرد:

الف - هدایت به صورت مطلق، که متعلق و مقصدی برای آن ذکر نشده، و منظور از آن نشان دادن راه اصلی به انسان است تا در آن گام بردارد و زندگی خود را با آن تنظیم نماید. قرآن کریم در آیات زیادی تصریح می‌فرماید که کار اصلی پیامبر و قرآن، نشان دادن راه چگونگی زیستن به همهی انسان‌هاست. به عنوان نمونه:

"إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ" (اسراء، ۹)

این قرآن (همه‌ی مردم را) به استوارترین راه هدایت می‌کند.

"إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا" (انسان، ۳)

ما انسان را به راه حق هدایت نمودیم، چه شکر این نعمت‌گذار را یا کفران آن نماید.

"يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ" (بقره، ۲۱۳)

هر که را بخواهد به وسیله‌ی قرآن به راه راست هدایت می‌نماید.

ب - متعلق و مقصد هدایت را در نظر گرفتن. قرآن کریم با تعبیرات گوناگون مقصد نهایی دعوت و هدایت خود را، زندگی در سرای سلامت و صفا، و نشان دادن راهی که از هر عیب و نقص، و آفات ظاهری و باطنی مصون باشد معرفی فرموده است؛ یعنی راهی که بی‌چون و چرا همه‌ی بشریت را به "دارالسلام" می‌رساند:

"وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ" (یونس، ۲۵)

"و خدا (همه‌ی خلق را) به سر منزل سعادت و سلامت فرامی‌خواند و هر که را بخواهد به راه مستقیم هدایت می‌کند."

"يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ" (احقاف، ۱۳۰)

"(خداوند) مردم را به سوی حق و طریق مستقیم هدایت فرمود"

"يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ" (مائده، ۱۶)

"خداوند به وسیله‌ی قرآن، هر کس را که در پی خشنودی او باشد، به راه

سلامت هدایت می‌فرماید."

معرفی حق و باطل: قرآن کتابی است که حق و باطل را به انسان معرفی می‌کند، و اختلافات فکری و عقیدتی و رفتاری انسان‌ها را در مقیاس وسیع کره‌ی خاکی حل می‌نماید.

"وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ... فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ" (بقره، ۲۱۳)

"و خداوند با پیامبران کتاب به حق فرستاد تا در موارد اختلاف و نزاع مردم حکم فرما باشد ... پس خداوند مؤمنان را در آنچه اختلاف داشتند به اذن خود به نور حق هدایت فرمود، و خداوند هرکه را بخواهد به راه راست هدایت می‌نماید."

"نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ ... وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ" (آل عمران، ۳ و ۴)
 "قرآن را به راستی بر تو نازل فرمود... و برای هدایت مردم، جداکننده‌ی حق از باطل را نازل کرد."

ارائه‌ی الگو برای همه‌ی انسان‌ها: قرآن کریم به صراحت پیامبر اعظم ﷺ را به عنوان الگو برای تمامی بشریت معرفی می‌فرماید. روش تربیت الگویی، در میان روش‌های تربیتی، بهترین و کارآمدترین روش است، زیرا فطرت تمامی انسان‌ها چنین است که وقتی بنگرند دعوت کنندگان، به آنچه می‌گویند عمل می‌کنند، سلوک بر آنان آسان و هموار می‌گردد:

"لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا" (احزاب، ۲۱)

"البته شما را در اقتدای به رسول خدا سرمشق نیکویی است، برای کسی که به خدا و روز قیامت امیدوار باشد و بسیار یاد خدا می‌کند."

"قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ" (ممتحنه، ۴)

"برای شما مؤمنان الگوی خوبی است در ابراهیم و آنانی که با او بودند."

شفای بیماری‌های درونی: قرآن دارو است نه نسخه‌ی صرف، و لذا درمان

کننده و شفا بخش بیماری های مزمن و مهلک در روح تمامی انسان هاست؛ امراضی که ریشه در انگیزه ها، امیال و غرایز سرکش درونی دارد (نهج البلاغه، خطبه های ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۷۶)، از قبیل کفر، نفاق، شرک، غرور و خودخواهی، استکبار و حق ناپذیری، تکاثر، جاه طلبی و راحت طلبی و زراندوزی و صدها بیماری روحی دیگر. این امراض در میان نوع بشر هست، و قرآن هم شفای همه ی این امراض در هر کجای عالم است:

"يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمُمُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ" (یونس، ۵۷)

"هان ای مردم عالم! نامه ای که شفای دل های شما و هدایت و رحمت بر مؤمنان است از جانب خداوند برای نجات شما فرود آمد."

"وَ نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا" (اسراء، ۸۲)

و ما آنچه از قرآن فرستادیم شفای دل و رحمت الهی برای اهل ایمان است ولیکن کافران را به جز زیان چیزی نخواهد افزود.

البته قرآن کریم، گرچه کتابی جهانی و جاودانه است و اختصاص به عصر یا گروهی خاص ندارد، اما همگان توفیق بهره گیری از آن را ندارند. گناه و تبهکاری، الحاد و تقلید باطل از گذشتگان قفل قلب آدمی است و انسان را از تدبیر در معارف و اسرار قرآن باز می دارد: "أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا" (محمد، ۲۴)، معارف قرآن در دل بسته نفوذ نمی کند، اما کسانی که فطرت خویش را حفظ کرده باشند، چه مانند صهیب از روم آمده باشند و یا مانند سلمان از ایران و یا مانند بلال از حبشه و یا همانند عمار و ابوذر از سرزمین حجاز برخاسته باشند، همه در برابر این کتاب الهی یکسانند. زیرا قرآن کریم اختصاصی به اقلیم یا نژاد خاصی ندارد، بلکه شفای دردهای روحی و عامل هدایت و رحمت برای همه ی انسان هاست. (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ۳۷)

آموزش انسان ها: "كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَ يَزَكِّيكُمْ

وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ" (بقره، ۱۵۱)

"چنانکه رسولی از جنس خود شما فرستادیم تا آیات ما را برای شما تلاوت کند و نفوس شما را از پلیدی و آلودگی جهل و شرک پاک و منزّه نماید و به شما شریعت و حکمت را بیاموزد، و به شما یاد دهد آنچه را نمی توانستید بفهمید."
"وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا" (نساء، ۱۱۳)

"و خداوند کتاب و حکمت بر تو نازل کرد و آنچه را نمی دانستی به تو آموخت و فضل خدا بر تو بزرگ بود...."

خداوند برای اینکه پیامبر اعظم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بتواند در هر چیز سرمشقی برای امت باشد و الگویی برای نیکی ها و خیرات گردد و همه ی مردم دنیا را در مکتب خود تعلیم و آموزش دهد، به وی دانش (علم) و بصیرت (حکمت) عطا نموده است.
(مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ج ۴، ۱۲۳)

آموزش حکمت: حکمت به معنای بصیرت، و دست یابی به حق به وسیله ی علم و عقل است. انسان برخوردار حکمت می تواند کارهای خوب و پسندیده را تشخیص دهد، و قرآن کریم و پیامبر اعظم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده اند تا همه ی مردم جهان را به کمک علم و عقل به حقایق هستی آشنا نمایند. (نهج البلاغه، خطبه ی اول) خداوند خود حکیم است و پیام او (قرآن) حکیمانه و حاوی آموزه های حکمت آمیز است، و نیز رسولش پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، آموزگار حکمت است و مقصود و هدف نهایی همه ی آن پیام ها و آموزش ها تربیت "انسان حکیم" است:

"لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ" (آل عمران، ۱۶۶ و جمعه، ۲)

"خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خود آن ها در میان آنان برانگیخت که آیات خدا را تلاوت کند و جان آنان را از هر نقص و آرایش پاک گرداند و به آن ها احکام و حقایق حکمت را بیاموزد، هرچند پیش از آن در

گمراهی آشکار بودند."

"وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ" (نساء، ۱۱۳)

قرآن کریم پس از بیان یک سلسله از آموزه‌های عقیدتی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و خانوادگی، در طی شانزده آیه، می‌فرماید: این‌ها پاره‌ای از حکمت بود که خداوند به تو وحی نمود. (اسراء، ۳۹) این امور نیز عام و طرحی واقعی برای تربیت فرد و جامعه در سطح جهان است.

آزادی انسان‌ها از تمامی اسارت‌ها: "وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ" (اعراف، ۱۵۷)

"این پیامبر ﷺ هر غل و زنجیری را که (از جهل و هوی) برگردن خود نهاده‌اند، همه را برمی‌دارد (و انسان‌ها را آزاد می‌کند) جعفر ابن ابی طالب، در پاسخ به سؤال نجاشی - زمامدار حبشه - که چرا از آیین سابق خود روی برتافته‌اید، در سخنانی، سابقه‌ی فسق و فجور و ظلم موجود در جامعه‌ی جاهلی را مطرح کرده و نقش اسلام را در دور کردن آنان از بت پرستی دعوت به توحید، دستور به صداقت، امانت، صله‌ی رحم، حفظ حقوق همسایه، خود داری از خونریزی، دوری از فواحش و خوردن مال یتیم بیان کرد. (جعفریان، ۱۳۷۳، ۲۹۰) این نقش در همه‌ی مکان‌ها و زمان‌ها قابل اجرا و اعمال است که طرح جهانی بودن رسالت پیامبر اعظم ﷺ را می‌رساند.

به گفته نهری:

شگفت‌انگیز است که این نژاد عرب که در طول قرون دراز، انگار در حال خفتگی به سر می‌بردند و ظاهراً از آنچه در سایر نواحی اتفاق می‌افتاد جدا و بی‌خبر بود، ناگهان بیدار شد و با نیرو و قدرتی شگرف دنیا را تهدید کرد^۷ و زیر و رو ساخت، نیرو و فکر تازه‌ای که عرب‌ها را بیدار ساخت و ایشان را از اعتماد به نفس و قدرت سرشار ساخت، اسلام بود. (نهری، ۱۳۴۳، ۲۹۰)

"در ورای ریگرارهای خشک عربستان در سرزمین حجاز که تقریباً فراموش عالمی بود، نیروی تازه‌ای پدید آمد که به زودی بالید و برکشید. دیری نپایید که

طومار قدرت‌های بزرگ جهان را در هم نوشت، این نیروی تازه اسلام بود - دین محمد ﷺ - که در مکه پدید آمد و به اندک زمان سرنوشت جهان را دگرگون کرد". (زرین کوب، ۱۳۶۹، ۹)

آری این است طرح نوین جهانی سازی نیروی اسلام، دین محمد ﷺ!!
 خودسازی و تقوا پیشگی: همه‌ی انقلاب و تحولی که پیامبر اعظم ﷺ در مکتب نیرومند خود عرضه نمود، در سایه‌ی تقوا و تسلط بر نفس به دست می‌آید. دستور پیامبر ﷺ و قرآن این است که اگر می‌خواهید نیرومند باشید و عزتی پولادین به دست آورید، تقوا داشته باشید. بر خود مسلط شوید تا جهان را فتح کنید:

"كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ" (بقره، ۱۸۷)

"بدین سان خداوند آیات و نشانه‌های خویش را برای مردم تبیین می‌کند تا تقوا پیشه نمایند."

"قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا" (شمس، ۱۸۷)

"وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ" (انعام، ۱۵۳)

"و این است راه راست من، پس از آن پیروی کنید و از راه‌های دیگر نروید که موجب تفرقه شماست، این است سفارش خداوند به شما، باشد که پرهیزگار شوید."

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره، ۲۱).

"يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ" (حجرات، ۱۳) "ای مردم ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و شما را گروه گروه و قبیله قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.

براساس این آیه، محور کرامت تقواست. زن و مرد بودن صفت جسم است.

جسمی که دارای حیات است خصوصیاتى دارد که با آن شناخته مى‌شود، از جمله مرد و زن بودن، اما روح انسانی از ذکورت و انوثة منزه است. روح انسان موجود مجرد است و همه‌ی فضایل اخلاقی به روح آدمی بر مى‌گردد بنا بر این نه ذکورت مایه‌ی فخر است و نه انوثة مانع کرامت. چنانکه وابستگی به قبیله‌ها و نژادها هم نه مانع کرامت است و نه موجب آن. اختلاف نژاد، لهجه و زبان و رنگ‌ها شناسنامه‌ای طبیعی است که همراه هر کسی هست و در زندگی اجتماعی برای شناسایی و تمایز انسان‌ها به کار مى‌رود، اما مدار کرامت نزد خدای سبحان همانا تقواست. انسان با تقوا کریم است و هرکس اتقی باشد اکرم است. (جوادی آملی، ۱۳۶۷، ۴۸)

تیسین روش زندگی و خلق و خوی پیشینیان: "يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَيِّبَنَّ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنْنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ" (نساء، ۲۶)

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ حِكْمَةٌ بِالْعَمَلِ (قمر، ۵ و ۴)

کمال و رشد انسان‌ها: یکی از اضلاع و اهداف رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، که برای همه‌ی بشریت ارائه شده است، رشد بلوغ عقلی، توان درک و فهم و تشخیص نیک و بد است؛ آن چنانکه شایسته یک انسان عاقل است.

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ... (بقره، ۲۵۶)

"راه درست از راه منحرف آشکار شده است، لذا در قبول دین اکراهی نیست."

از آنجا که دین و مذهب با روح و فکر مردم سر و کار دارد، راهی جز منطق و استدلال ندارد و از این رو نمی‌توان افراد را به زور به اسلام وارد نمود. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۲، ۲۰۵) آشکار شدن حقایق، ایمان افراد بی‌غرض را در پی دارد.

"قَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ" (جن، ۱ و ۲)

ساختن امت اسلامی: جامعه‌ی مدنی که در مدینه تأسیس شد، از همه‌ی اقشار عضو داشت. امت اسلامی عنوانی است که فراسوی زمان و مکان، آحاد

مؤمنان را به هم پیوند می‌دهد. ویژگی‌های این امت، ایمان، مساوات، امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به سلم و آرامش و همه‌ی ارزش‌های انسانی است، از جمله اعتدال و توازن:

”وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا“ (بقره، ۱۴۳)

پروفسور گیب می‌گوید:

حرکت اسلامی شکل جدیدی را به وجود آورد و از اجتماع پراکنده، جامعه‌ی واحدی را همراه با خط مشی سیاسی روشن ایجاد کرد. این حرکت تحت رهبری یک فرد صورت گرفت. او محمد ﷺ بود... آری محمد پیامبر، یکی از بزرگان تاریخ و قهرمان با اراده‌ای است که جامعه‌ی بزرگی را به وجود آورده است، و جمعیت پراکنده‌ای را انسجام بخشیده و تحول عظیمی ایجاد کرده است. (19, Gibb, 1979)

دکتر ماکس میرهوف می‌گوید:

ذخایر علم و دانش ملل اسلامی، اکنون رفته رفته آشکار می‌گردد و مورد استفاده عموم قرار می‌گیرد... اکنون نظری به گذشته می‌افکنیم و می‌بینیم علوم عرب (مسلمانان) مانند ماه تابانی تاریک‌ترین شب‌های اروپای قرون وسطی را منور ساخت و چون علوم جدید ظاهر گشت، ماه بی‌رنگ شد، ولی همان ماه بود که ما را در شب‌های تاریک هدایت کرد تا به اینجا رسانید و می‌توانیم بگوییم که هنوز تابش آن، با ماست. (قربانی، ۱۳۷۲، ۲۱)

ابن خلدون می‌گوید:

اخلاق کریمه، پیامبر ﷺ را آماده کرده بود تا بتواند رسالت جهانی و قانونی قرآن را بر دوش نهد، اعراب به زودی به رهبری محمد ﷺ خود را باز یافتند و به صورت امتی بزرگ همراه با یک رسالت جهانی به وجود آمدند. (ابن خلدون، بی‌تا، ۱۲۷)

اظهار نظر جواهر لعل نهرو نیز در این زمینه قابل دقت است. او می‌نویسد:

اسلام پیام برادری و برابری را برای تمام کسانی که مسلمان می‌شدند همراه

داشت. بدین قرار نوعی دموکراسی برای مردم به وجود آورد. این پیام برادری اسلامی مسلماً در مقایسه با شخصیت فاسد آن زمان نه فقط برای عرب‌ها، بلکه برای مردم بسیاری از کشورهای دیگر هم که مسلمانان به آنجا می‌رفتند جذبه بسیار داشت. (لعل نهر، ۱۳۴۳، ج ۱، ۳۲۱)

یگانه عامل تغییر اجتماعی آن روز، عامل معنوی و فرهنگی بوده است، نه عوامل مادی، تکنولوژی و کثرت و انفجار جمعیت، و این تشکیل امت اسلامی، خود، بهترین گواه بر جهانی بودن رسالت خاتم الانبیاست.

احیای حیات حقیقی و شایسته انسان: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ" (انفال، ۲۴)

ای مؤمنان چون خدا و رسول شما را به ایمان دعوت نمایند پذیرید تا به حیات ابدی برسید "مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً" (نحل، ۹۷)

"هر کس از مرد و زن کار نیکی انجام دهد و مؤمن هم باشد، ما او را در زندگی با سعادت زنده (ابد) می‌گردانیم...

"وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ" (یونس، ۲۵)

"خداوند همه‌ی خلق را به سر منزل سعادت و سلامت فرامی‌خواند."

فلاح و رستگاری: "أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" (بقره، ۵)

"آنان (مؤمنان) از لطف پروردگارشان هدایت شده و رستگارند."

"الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا التَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ" (اعراف، ۱۵۷)

"آنان که از پیامبر امی پیروی می‌کنند... و از نوری که بر او نازل شده پیروی می‌نمایند به راستی رستگارند."

این راه‌های چهارده گانه از خود قرآن مجید می‌رسانند که اسلام جهانی و همگانی است. (مجموعه آثار، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ۲۳۸)

معیارهای جهانی سازی اسلامی

از ویژگی‌های جهانی سازی اسلامی، تبیین روشن اصول و معیارهای اندیشه‌های فرامرزی و جهانی‌گرایی راستین و کنار زدن انگیزه‌های غیر انسانی است. جهانی سازی اسلامی بر محور حقوق انسان دور می‌زند و با موانع می‌ستیزد و همه‌ی زنجیرها و پای بندها را از دست و پای انسان‌ها برمی‌دارد و امت واحده و اجتماعی یگانه از همه‌ی افراد انسانی تشکیل می‌شود تا همه‌ی افراد انسان بدون استثنا به تکامل الهی انسانی برسند. (حکیمی، ۱۳۸۵)

۱- زمینه‌های فرهنگی جهانی سازی

اسلام گام نخست جهانی سازی را فرهنگ سازی قرار می‌دهد، وحدت اندیشه و نظر و نفی عوامل تفرقه افکن و طایفه‌گرایی و نژادپرستی و تبعیض طلبی را عرضه داشت و اعلام داشت همه‌ی انسان‌ها با هم برادر و برابرند و کسی را بر دیگری برتری و امتیازی نیست. قرآن کریم معیارهای یگانگی را چنین آموزش می‌دهد که نژادها بر یکدیگر برتری ندارند. انسانیت معیار راستین است. (حجرات، ۱۱)

از این رو نباید دیگری را مستخره نمود چه ارجمندترین افراد پرهیزگارترین است. (حجرات، ۱۳)

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

"ان الناس من عهد آدم الى يومنا هذا مثل انسان المشط لافضل للعربي على العجمي ولا للاحمر على الاسود الا بالتقوى" (اختصاص، ۳۳۷)

"مردم از زمان حضرت آدم عليه السلام تاکنون چون دندان‌های شانه برابرند، و عرب بر غیر عرب، سرخ بر سیاه برتری ندارد مگر به تقوا (و ارزش‌های انسانی او).

۲- گسترش آگاهی و دانایی

اسلام به جهانی سازی علم و دانش و فناوری و بیداری نیز می‌اندیشد. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آغاز دعوت خویش، با گسترش دانایی و بیداری، خطوط حرکت و راه‌های سعادت جامعه‌ی انسانی را تبیین فرموده است:

"این کتابی است که آن را بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی‌های (ناآگاهی و نادانی) به سوی روشنایی بازبری" (ابراهیم، ۱)

در پرتو آموزش‌های پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همه‌ی انسان‌ها به قدر و منزلت و کرامت خویش آگاهی می‌یابند (زیرا پیامبران هیچ‌گاه نعمت دانایی را ویژه نمی‌ساختند) (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱) و بدین وسیله احساس‌های خفته‌ی مردم بیدار شده و به خودیابی و بازشناسی نظام فکری و فرهنگی انسانی می‌پردازند، و دروغین بودن مرزها و فاصله‌ها را نیک درمی‌یابند و این چنین، راه برای یکسان سازی یا جهانی سازی مطلوب فراهم می‌گردد.

۳- نفی نظام‌های سلطه

جهانی سازی اسلامی و الهی جز با نفی سلطه طلبی و خودکامگی امکان ندارد. اول باید موانع این کار مهم از پیش پا برداشته شود، آنگاه مردم را به سوی وحدت، مهرورزی، بکرنگی و مسؤولیت پذیری سوق داد.

"مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَاداً لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ..." (آل عمران، ۷۹)

"برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او بدهد و سپس او به مردم بگوید به جای خدا مرا پرستش کنید."

"یکی از طرق شناسایی داعیان حق و داعیان باطل همین است که داعیان حق و در رأس آن‌ها پیامبران و امامان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در آن روز که بزرگ‌ترین قدرت‌ها را در اختیار می‌گرفتند، مردم را دعوت به سوی اهداف مقدس دینی و انسانی، از جمله توحید و یگانه پرستی و آزادگی می‌نمودند، اما داعیان باطل... به سوی خویش."

(مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۲، ۴۸۴)

مشکل بشریت از گذشته تا کنون، و به گواهی تاریخ در همه‌ی اجتماعات انسانی، روابط سلطه‌گراانه و استثمار بوده است. بر انداختن این مانع بزرگ در دستور کار پیامبر اعظم ﷺ قرار گرفته بود، و تا آخرین روزهای حیات خود در این راه کوشید. و فرزندش حضرت مهدی عج این مهم را به نحو احسن به اتمام خواهد رساند.

امام رضا ع فرمودند: "يُطَهَّرُ اللَّهُ بِهِ (الْقَائِمُ) الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جُورٍ وَيُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظَلَمٍ" (کمال‌الدین، ج ۲، ۳۷۲)

"خداوند زمین را به دست قائم عج از هر ستمی پاک گرداند و از هر ظلمی پاکیزه سازد."

۴- تسامح اسلامی

یکی از مؤلفه‌ها و مشخصه‌های جهانی سازی پیامبر اعظم ﷺ و تسامح و تساهل در برخورد تازه مسلمان و سهل‌گیری بر بندگان خداست. کار پیامبر ﷺ بیدار کردن فطرت و نشان دادن مسیر حرکت و فراهم نمودن امکانات و زمینه‌های اصلاحی بوده که تأثیر بسزایی در حرکت وسیع و جهانی مکتب دارد، به گونه‌ای که هر تازه مسلمانی احساس می‌کرد که بر صمیمی‌ترین بار خود وارد شده است. "وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ" (حج، ۷۸) در اسلام احکام مشقت باری جعل نشده است.

پیامبر اعظم ﷺ فرمود: این آیین اسلام دین استوار دور از هر نوع تکلف و زحمت است در آن بارفق و ملایمت وارد شوید. عبادت‌های خدا را بر بندگان خدا ناخوشایند نسازید، در این صورت مانند آن سوار کار تندرو خواهید بود که نه به مقصد رسیده و نه مرکبی باقی گذاشته است. (سفینه‌البحار، ج ۲، ۸۶)

آن حضرت در جای دیگر شریعت خود را چنین توصیف فرموده است: "بعثت بالشریعه السهله السمحه (سفینه‌البحار، ج ۱، ۶۹۵)" من با شریعت سهل و

آسان برانگیخته شده‌ام.

"دولت اسلامی دو امتیاز یا دو نعمت را برای ملت‌های مغلوب ارمغان آورد؛ یکی نعمت تسامح و آزادی دینی، و دیگری نعمت احکام عادلانه و معتدل بود که اصول و حدود معینی را برای آن‌ها مقرر می‌داشت و همین تسامح و ملاحظه نیز اثر محسوسی در پیشبرد فتوحات اسلامی داشت." (عتان، بی‌تا، ۲۹)

وقتی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله معاذ بن جبل را به یمن فرستاد. به او فرمود "یسر و لاتعسر و بشر و لا تنفر" (صحیح بخاری، ج ۵، ۱۰۷) "می‌روی برای تبلیغ اسلام، اساس کارت تبشیر و مزده و ترغیب باشد، کاری کن که مردم مزایای اسلام را درک کنند و از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند." (مطهری، ۱۳۷۴، ۲۱۱)

معقولیت و معتدل بودن احکام اسلامی و نیز تسامح در برخورد، عامل مهم نفوذ اسلام در سراسر جهان شده و یک جهان وطنی را برای امت واحد اسلامی ایجاد نموده است. نیرومندی دلایل و براهین مکتب اسلام وجدان و عقول مردم را قانع و تسخیر می‌کند و این امر موجب شده است هنگامی که پیروان مذاهب دیگر با اسلام واقعی و دلایل روشن آن روبرو شوند، بی‌اختیار ایمان بیاورند. عقایدش خالی از ابهام و مطابق با عقل و فطرت، احکامش دارای مصالح و قوانینش خرد پذیر و اخلاقی انسانی و بی‌نظیر بوده و بین ماده و معنا جمع می‌کند، به گونه‌ای که همه‌ی مردم در هر زمان و مکان به راحتی می‌توانند آن را عمل نموده و به سعادت برسند. پیام جاودانی، انسانی و مبتنی بر سهولت قرآن کریم در آیات ۱۵۰ تا ۱۵۳ سوره‌ی انعام به این شرح آمده است:

"برای خدا شریک قائل نشوید، به پدر و مادر نیکی کنید، به خاطر تنگدستی فرزندان را مکشید، به زشتی‌ها نزدیک نشوید، خون کسی را به ناحق نریزید، به مال یتیم بی‌جهت نزدیک نشوید، در داد و ستد انصاف را رعایت کنید، در سخن گفتن عدالت را رعایت کنید هرچند درباره خویشاوندان شما باشد، و خدا هیچ کس را جز به اندازه توانایی او تکلیف نمی‌کند.

دونالد رکیول درباره‌ی علت اسلام آوردنش می‌نویسد:

عوامل و جهات زیادی مرا به سوی اسلام جذب کرد، که از آن جمله است سادگی عقیده‌ی اسلامی و سهولت آن. عقیده‌ی اسلامی نه پیچیدگی دارد و نه مبهم است. بلکه یک ایمان ساده‌ای است که از راه عقل و دقت در نظام بدیع آفرینش برای انسان حاصل می‌شود و رعایت همین دو چیز قطعاً آدمی را به آفریدگار دانا و توانا مؤمن می‌سازد ... بسیاری از سادگی‌ها و محاسن و خوبی‌های اسلام، چه در قسمت عقاید و عبادات و چه در معاملات و غیر آن، باعث گردید من به اسلام معتقد گردم. (قربانی، ۱۳۷۲، ۴۳-۳۳)

۵- پایداری بر سر اصول

اهداف مقدس و انسانی هیچ‌گاه نباید وجه المصالحه قرار گیرند، وگرنه اعتماد مردم سلب می‌شود. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حتی یک قدم از آرمان‌هایش عدول ننمود و اصول اعتقادی خود را فدای مصلحت اندیشی نکرد، درخواست معاف بودن از نماز را از سوی عده‌ای که خواستند مسلمان شوند نپذیرفت. " (ابن هشام، ۱۳۵۶، ج ۴، ۷۱۴) همچنان که درخواست سران قریش را برای تعطیلی دعوت، به هیچ قیمتی نپذیرفت، چراکه اگر آن روز، ارزش‌ها و آرمان‌ها وجه المصالحه قرار گرفته بودند، امروز در سراسر جهان، میلیون‌ها انسان پروانه‌ی شمع وجودش نمی‌شدند.

نتیجه‌گیری

- ۱) جامعه‌ی جهانی در حال کوچک‌تر شدن، و نزدیک‌تر شدن به همدیگر است و برنامه‌ای واحد برای اداره‌ی آن می‌طلبد.
- ۲) ساختار نظام مدرنیته‌ی غربی، که مبتنی بر دو پدیده‌ی مهم ملت - دولت است، با ظهور مجدد اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در قالب انقلاب اسلامی، مورد تهدید قرار گرفته است.

۳) اسلام با ظهورش از آغازین لحظات، با صراحت نقشه‌ای جهانی و جاودانی و فراگیر عرضه نموده است که با تمام قوا، در اعماق قاره‌های پنج‌گانه‌ی جهان در حال پیشروی است و لذا در دستور روز قرن بیست و یکم قرار گرفته است.

۴) راه‌های خاصی برای شناخت رسالت جهانی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وجود دارد، مانند: شناخت مخاطبان قرآن، خاتمیت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بررسی آموزه‌های اسلام و قرآن کریم، (حداقل در چهارده محور).

۵) جهانی سازی اسلامی معیارهای ویژه‌ای دارد، مانند: زمینه‌های فرهنگی، گسترش علم و دانش، نفی نظام سلطه، سماحت و سهل‌گیری اسلامی نسبت به همه‌ی بندگان خدا و پایداری بر سر اصول.

پی‌نوشت‌ها

۱) در خطاب به داود پیامبر آمده: "يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ..." (ص، ۲۶).

۲) روم، ۳۰؛ اعراف، ۱۷۲؛ انبیاء، ۱۰۷؛ فرقان، ۱؛ تکویر، ۲۷ و نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، خطبه‌ی ۱، ۲۶، ۳۳ و فیض کاشانی، الوافی، ج ۳، ۲۲؛ علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می‌فرماید: "أَنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ... فَسَاقِ النَّاسِ حَتَّى بَوَّأَهُمْ مَحَلَّتَهُمْ وَبَلَّغَهُمْ مَنَاجِتَهُمْ، فَاسْتَقَامَتِ قَسَانَتُهُمْ... خَدَاوَنَدِ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را برگزید... و او مردم را به جایگاه کرامت انسانی رساند و به رستگاری برد، تا سرانجام قومی چیره دست گشتند..." (خطبه‌ی ۳۳).

۳) شریعت در آینده‌ی معرفت، ص ۲۲۷-۲۱۴ و محمد تقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، ج ۲، ص ۱۲۶-۱۱۳ و جعفر سبحانی، خاتمیت از نظر قرآن و حدیث و عقل و مرتضی مطهری، ختم نبوت.

۴) الف: مرتضی مطهری، ختم نبوت، (قم، صدرا، چاپ نهم، ۱۳۷۴)؛ ب: همو، خاتمیت.

۵) محمود فتحعلی، مبانی اندیشه‌ی اسلامی ۴، درآمدی بر نظام ارزشی و

سیاسی اسلام، (قم: مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۳).

۶) حکیمی‌ها، الحیاء، ج ۲، ص ۲۷-۳۱، چاپ جامعه‌ی مدرسین، ۱۳۶، قم.
۷) البته تعبیر "تهدید" مناسب نیست زیرا بر هم زدن وضع نابینجار فرهنگی و اجتماعی و سامان دادن به اوضاع مردم نامش نعمتی بزرگ است و نه تهدید.

منابع و مأخذ

- ۱) قرآن مجید.
- ۲) نهج البلاغه.
- ۳) ابن هشام، عبدالملک (۱۳۵۶)، سیره النبی، قاهره، المكتبة التجارية الكبرى، ج ۴.
- ۴) جعفریان، رسول (۱۳۷۳)، سیره‌ی رسول خدا ﷺ، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول.
- ۵) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، تفسیر تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ج ۱.
- ۶) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۷)، کرامت در قرآن، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ دوم.
- ۷) جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، ولایت فقیه، ولایت، فقاہت و عدالت، قم، مرکز نشر اسراء.
- ۸) حکیمی، محمد (۱۳۸۵)، جهانی سازی مهدوی و جهانی سازی غربی، قم، انتشارات دلیل ما.
- ۹) حکیمی، محمد (۱۳۸۵)، جهانی سازی مهدوی و جهانی سازی غربی، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ اول.
- ۱۰) دیون پورت، جان (بی‌تا)، عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن، ترجمه‌ی غلامرضا سعیدی، قم، دارالتبلیغ اسلامی.

- ۱۱) زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹). *بامداد اسلام؛ داستان آغاز اسلام و انتشار تا پایان دولت اموی*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۲) شاکرین، حمید رضا و همکاران (۱۳۸۴)، *پرسش‌ها و پاسخ‌های برگزیده*، دفتر هفتم، تهران، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، چاپ دوم.
- ۱۳) صدوق، محمد (۱۴۱۳ هـ)، *عیون اخبارالرضا*، قم، جامعه‌ی مدرسین، ج ۲.
- ۱۴) عنان، محمد عبدالله (بی‌تا)، *صحنه‌های تکان دهنده در تاریخ اسلام*، ترجمه‌ی علی دوانی، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۵) قربانی، زین العابدین (۱۳۷۲)، *علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم.
- ۱۶) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۷)، *فروع کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، باب ۱۳.
- ۱۷) لعل نهرو، جواهر (۱۳۵۵)، *نگاهی به تاریخ جهان*، ترجمه‌ی محمود تفضلی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ج ۱.
- ۱۸) مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۴)، *مجموعه‌ی آثار کنگره‌ی بررسی مبانی فقهی امام خمینی علیه السلام*، نقش زمان و مکان در اجتهاد، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۰.
- ۱۹) مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، *ختم نبوت*، قم، انتشارات صدرا، چاپ هشتم.
- ۲۰) مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۵۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- ۲۱) مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۵۳)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ج ۲.